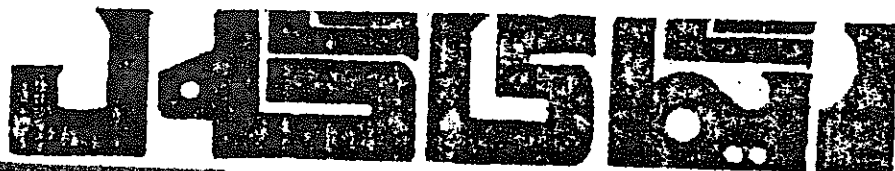


کارگران
و زحمتکشان
متحد شوید

گریستاران
و همهتکیشان
یاد گزن

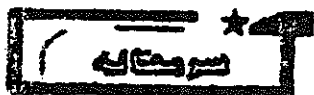


ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
کتابخانه
شهرانروز

Iranische Bibliothek in Hannover

خرداد ۱۳۶۴

دوره جدید سال سوم - شماره ۳۰



سیاست اصولی کدام است؟
و چرا باید به اراده عملی
تبدیل شود؟

امروز دیگر درگیری های
فیمابین حزب دمکرات و کومله
به مرحله ای رسیده است که
آینده جنبش انقلابی خلق کرد را
جداً تهدید می کند. این
درگیری ها بدون تردید نباید
پایان داده شود و هر سیاست
هر اصولی که بر تداوم آنها
پافشاری نماید و با هر زمینه
بدون تردید می باید در انتظار
توده های انقلابی خلق کرد
معکوم و مطرود گردد.

امروز دیگر هیچ نیروی
علمانا از راه حل نظامی برای
حل اختلافات نیروهای سیاسی
دفاع نمیکند، هرچند تحت
پوشش این یا آن قید و بند چنین

در صفحه ۲

متن
قطعه نامه ها
و
پیامهای کنفرانس

در صفحه ۳

برگزاری کنفرانس سالیانه کمیته کردستان

کنفرانس سالیانه کمیته کردستان
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در
خرداد ماه امسال برگزار گردید. در
این کنفرانس نخست گزارش کمیته
کردستان پیرامون وضعیت عمومی جنبش و

ضرورت وحدت نیروهای انقلابی و مبنای عملی آن

در پی افتلا اخیر جنبش
توده ای و بحرانی تر شدن وضعیت
رژیم جمهوری اسلامی، شعارهای
وحدت طلبانه ای از سوی برخی
سازمانها و احزاب سیاسی
به میان کشیده شده است.
هرکسی خود را طرفدار وحدت
و اتحاد نیروهای انقلابی و شرقی
معرفی می نماید و خواستار
وحدت این نیروها برای ایجاد
یک قطب نیرومند در جنبش
و سرنگونی فوری تر رژیم
است.

شکی نیست که اتحاد مبارزاتی
و وحدت رزمنده نیروهای
انقلاب در مرحله کنونی انقلاب
و در دوران انقلابی کنونی که

ما سازمانی هستیم که
اساساً برای برانداختن نظام
سرمایه داری و استقرار
سوسیالیسم مبارزه می کنیم،
و برای رسیدن به این هدف
امر استقلال طبقاتی کارگران
و مجزا کردن رف و سیاست
مستقل این طبقه را در برابر
تمام طبقات دیگر به اساس
سیاست خود تبدیل کرده ایم،
اما در همان حال که لحظه
حفظ استقلال طبقاتی کارگران
و هدف نهایی خود را از یاد
نمی بریم، و در جهت آن گام
برمی داریم، در عین حال به این
مسئله اعتقاد داریم که در مرحله
کنونی انقلاب یعنی به هنگامی
که تحولات انقلابی دمکراتیک
و ضد امپریالیستی هدف فوری
انقلاب را تشکیل می دهد و علاوه

در صفحه ۶



* اخبار جنبش توده ای

صفحه ۱۱

* جنگ انقلابی

در

کردستان و...

صفحه ۱۸

نهم خرداد

یادآور روزی خونین

در تاریخ خلق عرب

صفحه ۱

همه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی نهی هه یه

سیاست اصولی کدام است؟

و چرا باید هـ

از صفحه ۱

کاری را انجام دهد، و یا فلان پیش شرط در عمل نقش سرپوشی بر چنین تمایل درونی را داشته باشد ولی آنچه که روشن است امروز تاکید روی راه حل سیاسی برای اختلافات فیما بین نیروهای سیاسی مورد پذیرش اکثریت نیروهای است که به هر نحوی اعلام موضعی در سطح جنبش نموده اند. هر چند بسیاری از این نیروها با هر موضعی کمتر پای به عرصه تحقق عملی چنین واقعیتی گذاشته و تنها به اعلام موضع های هر از چند گاهگی اکتفا نموده و می توان گفت درگیری ها را به عنوان یک واقعیت تلخ پذیرفته اند. اما واقعیت این است که منافع حیاتی جنبش انقلابی ایجاب می کند که اگر امروز کسی معتقد به راه حل سیاسی و همزیستی صالمت امیز نیروها در جوی دمکراتیک و عاری از محدودیت های تنگ نظرانه و محدودگرانه است، در عمل نیز راه تحقق این واقعیت را آشکار ساخته، و موضع این اعتقاد را در راه حل عملی و مشخص خود روشن نماید. و حد اقل گامی در جهت عملی کردن این اعتقاد بپسوردارد و سیاست مبتنی بر اداامه درگیری ها را در تمامی زمینه ها منسوی و مطرود جنبش نماید. اعتقاد به این یا آن سیاست فقط حرف توخالی نیست، تنها برای اعلام موضع پا در هوا نیست، بلکه مبین این واقعیت است که چنین اعتقادی می تواند و می باید به اراده تبدیل شود و بیان عملی پیدا کند. طبیعی است که هیچ سیاستی خود بخودی و از طریق تکرار مکرر تبدیل به اراده نخواهد گشت و چنین امری هیچگاه اتفاق نیافتاده و نخواهد افتاد. هر سیاستی برای تحقق عملی خود الزامات مستلزم عملکرد مشخصی است و سازماندهی و تجمع نیروی معینی را در تمامی عرصه ها

ایجاب می کند. این نخستین اصل برخورد آگاهانه و فعال به مسائل در هرگونه فعالیت هدفمند سیاسی است.

امروز دواصل اساسی در جنبش کردستان مورد پذیرش اکثریت نیروهای انقلابی است. نخست آتش سریدن قید و شرط و قطع فوری درگیری های نظامی، دوم آغاز مذاکره برای توافق بر سر یک پلانفرم مشخص و عملی که ضمن آزادپسای دمکراتیک در روابط فیما بین نیروهای سیاسی اعم از آزادی تبلیغات سیاسی، بیان عقاید و حق تشکیل و حق انتخاب آزادانه راه و مسیر مبارزه انقلابی از سوی هرکسی، و به عبارت دقیق تر پلانفرمی ناظر بر حقوق دمکراتیک و مبتنی بر مضمون اساسی جنبش کنونی باشد.

باید دید چرا و کدام نیروها مخالف چنین اصولی هستند و چه کسانی علاوه بر دواصل فوق از ارائه راه حل عملی و مشخص طفره می روند و مهم تر از همه از اقدام مستقیم در جهت آن هراس دارند و چرا؟ نیروهایی که خود علیرغم اعتقاد به این اصول حاضر به پذیرش یک راه حل عملی و درمدم انجام آن نیستند، خود به بدترین وجهی و لا به آن سیاستی هستند که امروز اداامه این درگیری ها را ممکن ساخته است چگونه می توان به چنین اعتقاد داشت ولی در جهت تحقق آن حرکت نکرد، از هر گونه صدای موافق و گام عملی مشخص پشیمانی و دفاع نکرد، و یا در عرصه ای از جنبش کم داد و هر از چند گاهی اظهار وجود تاسف باری کرد؟

اما آنچه که به دوطرفی درگیر مربوط می شود، سیاست حزب دمکرات و موضع این حزب در قبال درگیری های کنونی کاملاً روشن است. حزب دمکرات با طرح پیش شرط های غیر اصولی برای هر گونه آتش بسی عملاً از پذیرش هرگونه راه حل طفره می رود و سیاست جنبی بر اداامه درگیری های خونین کنونی را در عمل دنبال می کند. سیاستی که تاکنون هیچ نیروی دیگری غیر از خود حزب دمکرات حداقل

علناً و بی پرده جرات دفاع از آن را به خود نداده است. هر چند این سیاست هواخواهان مظلوم و سرکشی در میان نیروهای سیاسی کم ندارد.

اما طرفی دیگر درگیرها نیز علیرغم اعلام آمادگی برای پذیرش آتش بسی و اعلام یک سری اصول مشخص، هیچ راه عملی برای تحقق چنین سیاستی که بتواند بیانگر اراده عملی جدا از تقابل نظامی و در جهت تحقق همزیستی صالمت امیز بر عمل باشد، ارائه نکرده است. کومه له عاجز از درک این واقعیت است که چنین اعتقاد به پایان دادن به درگیری ها و دفاع از اصول دمکراتیک فیما بین نیروها نیز نمی تواند فقط از طریق گلوله عملی شود. آنچه که امروز بیش از همه ضروری و اجتناب ناپذیر است، و نقش تعیین کننده ای در تقابل سیاسی دارد نه تعرض نظامی، بلکه در واقع تحریک سیاسی و تبدیل این یا آن اعتقاد به اراده و هر چند سیاسی نه تنها در عرصه رابطه بین نیروهای سیاسی، بلکه در سطح جنبش بوده است. اگر کسی اعتقاد به ضرورت وجود دمکراتیک برای بیان آزادانه نقطه نظرات، با اهداف سیاسی داشته و خواستار همزیستی صالمت امیز فیما بین نیروهای سیاسی است، باید این اعتقاد خود را از همین امروز و در عمل آشکار سازد و عملاً به زبان سیاسی و با سلاح سیاسی سخن بگوید و بهر اهمیت آن واقف باشد. زمانی که از چنین واقعیتی عملاً در برخورد های کومه له خبری نباشد، مسلماً می توان گفت یا درکی از آنچه کسی گوید ندارد و یا اگر دارد به تحقیق آنچه که می گوید اعتقاد ندارد.

درست به همین گونه است وضعیت آن دسته از نیروهایی که در حرف درگیرها را محکوم می نمایند ولی روشن نمی کنند که چرا این درگیرها هنوز اداامه دارد. و امروز چه کسی و کدام نیروی سیاسی مسئولیت اداامه این درگیری ها را دارد و سبب راه رسیدن در صفحه ۱۵

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مرفقی و انقلابی

قطعه نامه درباره

درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

نظر به این که امروز درگیری های حزب دمکرات و کومه له به مهم ترین صالته جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل شده است؛

نظر به این که ادامه این درگیری ها نافی تعالی دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد و در جهت فرسایش توان و انرژی انقلابی آن و ضایعی با چشم انداز پیروزمند آن است؛

لذا، قطع فوری درگیرها، اعلام آتش بس بدون قید و شرط، از سوی هر دو نیرو پذیرش يك راه حل دمکراتیک و اصولی پیرامون روابط نیروهای سیاسی در کردستان و حل اختلافات این دو نیرو در چارچوب چنین راه حلی، از طریق مسالمت آمیز در شرایط کنونی کاملاً امکان پذیر و ضروری است؛

کنفرانس با تاکید بر طرح سه ماده ای اعلام شده از سوی کمیته کردستان خواهان برخورد بیگانه و جدی با درگیری های حزب دمکرات و کومه له، خواهان طرد هرگونه سیاست مبتنی بر ادامه درگیری های کنونی و پشتیبانی از هر گونه تلاش مسئولانای در قبال قطع این درگیری ها است.

قطعه نامه پیرامون

تاکتیک مذاکره با رژیم

نظر به این که شرایط بحرانی کنونی در تمامی زمینه های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی موقعیت رژیم جمهوری اسلامی را به طور روزافزونی متزلزلتر می سازد؛

نظر به این که جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران هر روز بیشتر از پیش برای نیل به اهداف انقلابی - دمکراتیک خود، از طریق سرنگونی قهری رژیم جمهوری اسلامی گام های عظیمی را به پیش بر می دارد؛

نظر به این که جنبش انقلابی خلق کرد هر روز بیشتر از روز پیش عرصه های جدیدی را در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی باز می گشاید و در تمامی عرصه های سیاسی - نظامی با ارتقاء سطح تاکتیکهای مبارزاتی خود با آسودن از تجارب مبارزات قهرمانانه شش سال گذشته خود همچنان بر اهداف پیروزنده خود پیکار می فشارد؛

لذا، در چنین شرایطی خارج ساختن شعار سرنگونی رژیم از دستور عاجل مبارزه و تکیه به ماندهای ارتجاعی رژیم و طرح شعار مذاکره با رژیم غیر اصولی، غلط و محکوم است.

بزرگزار

کنفرانس

جنبش اندازهای آن و نیز فعالیت يك صالته سیاسی - تشکیلاتی و نظامی به کنفرانس ارائه گردید و سپس بحث حول محور های گزارش صورت گرفت.

کنفرانس در جریان جلسات متعدد خود به ارزیابی دقیق اوضاع کنونی جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به طور عموم و جنبش انقلابی خلق کرد به لاخص پرداخت و ضمن تصریح مواضع تاکتونی کمیته کردستان، دو قطعه نامه در زمینه برخورد به دو صالته مهم در عرصه سیاسی کردستان را تصویب نمود. و متناسب با همین ارزیابی دقیق از اوضاع سیاسی و چشم اندازهای آن نیز در بررسی فعالیت آنی تشکیلات کردستان با تصریح گزارش ارائه شده توسط کمیته کردستان در این زمینه، تصمیمات مشخصی را اتخاذ نموده، به عنوان برنامه کار آینده فعالیت تشکیلات کردستان، در تمامی عرصه ها بر آن ها تاکید نمود که اهم آنها را چونگی پیبرد فعالیت سیاسی - تشکیلاتی و نظامی در عرصه مبارزه کنونی تشکیل می دهد.

کنفرانس کمیته کردستان در این حال با ارزیابی دقیق گزارش ارائه شده در مورد فعالیت تشکیلات پیشمرکه فدائی که طی کنفرانس مقاماتسی مورد بحث و بررسی پیشمرگان فدائی قرار گرفته بود رئیس اساسی آن را تایید و تصریح نمود.

کنفرانس کمیته کردستان با صدور پیامی خطاب به کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران، خلق قهرمان کرد، پیشمرگان رزمنده خلق کرد و احزاب و سازمان ها و نیروهای انقلابی و دمکرات پیرامون صالته درگیریهای حزب دمکرات و کومه له و پیام های دیگری، خطاب به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، به کار خود پایان داد.

پیام کنش انسی به

نگارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران
خلق قهرمان کرد، پیشمرگان رزمنده خلق کرد

و

کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات

امروز جنبش انقلابی خلق کرد، شرایط حساس و خطیری را پشت سر می گذارد. شرایطی که از یک سری ضرورت مداوم هر چه قدرتمند مبارزه کنونی در تمامی عرصه های آن، وحدت اراده تمامی نیروهای مبارز و انقلابی در کردستان را در مقابل با رژیم جمهوری اسلامی ایجاب می کند، و از سوی دیگر علیرغم این ضرورت، جو مشتعل و مشتعلی در صفوف جنبش کردستان به وجود آمده است که نتیجه بلاواسطه و مستقیم ناشی از تداوم درگیریهای خونین میان پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له است. بر هیچ کس پوشیده نیست که این درگیریها در شرایط کنونی هیچ چشم اندازی جز ضربه زدن به جنبش کنونی در تمامی عرصه ها و منهدم نمودن چهره رزمنده و بیخبر و زنده آن را در بر نداشته و ندارد. این درگیریها امروز به سدی در مقابل پیشروی جنبش کنونی و عاملی برای کاهش و فراموشی توان و انرژی آن تبدیل شده اند و از همین رو نیز می باید هر چه سریع تر، به این درگیریها پایان داده شود، و چو دمکراتیک مبنی بر اصول روشن و مشخصی بر محیط مبارزه کنونی در کردستان حاکم گردد که در آن تمامی نیروهای انقلابی آزادانه به فعالیت سیاسی- نظامی و تبلیغ و ترویج برنامه ها و اهداف خود بپردازند. این امر نه تنها از نقطه نظر ضروریات کنونی جنبش الزامی است بلکه اساساً بدون چنین جو دمکراتیک نمی توان از چشم انداز روشنی برای آینده جنبش انقلابی خلق کرد سخن گفت.

از سوی دیگر همانطور که واقعیت های چند ماه گذشته آشکار ساخته است این درگیریها به خودی خود، پایان داده نخواهد شد. تنها عاملی که امروز دیگر قادر به توقف ساختن این درگیریهاست مسلماً فشار عمومی سیاسی نه تنها توده های زحمتکش خلق کرد و پیشمرگان رزمنده آن بلکه کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات که تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران است.

ما شرکت کنندگان در کنفرانس اعتقاد راسخ داریم که بدون ارائه یک چارچوب روشن و مشخص که بتواند ناظر بر روابط عمیق نیروهای سیاسی در کردستان بویژه دو نیروی درگیر باشد، چنین آتش بسی پایدار نخواهد بود. از همین رو نیز طرح سه ماده ای ارائه شده از سوی کمیته کردستان را به عنوان مناسب ترین طرح برای مذاکره حول دستهای به یک راه حل اصولی قلمداد کرده، از توده های زحمتکش خلق کرد، از پیشمرگان رزمنده و کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات می خواهیم با حمایت و پشتیبانی از این طرح به عنوان راه حل اصولی، به هر طریق ممکن عملاً نفوذ و انسداد خود را از ادامه این درگیریها به ناپسند گذاشته و این فعالیت درونی را به اراده عظمی و واقعی تبدیل سازند.

زنده باد اتحاد عمل و همکاری میان نیروهای انقلابی!
نابود باد تشنگی و پراکندگی در صفوف جنبش انقلابی خلق کرد!
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
کنفرانسی خرداد ماه ۱۳۶۴
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
کمیته کردستان

از سوی دیگر همانطور که واقعیت های چند ماه گذشته آشکار ساخته است این درگیریها به خودی خود، پایان داده نخواهد شد. تنها عاملی که امروز دیگر قادر به توقف ساختن این درگیریهاست مسلماً فشار عمومی سیاسی نه تنها توده های زحمتکش خلق کرد و پیشمرگان رزمنده آن بلکه کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات که تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران است.

نیرویی به آنها پایبند می دهند چون قادر به کنترل آن روستاها نیستند پس مجبورند که آنها را خراب کنند. این چندمین بار است که مزدوران رژیم در شمال کردستان خانه و گشائانه اهالی زحمتکش منطقه را بر سرشان می ریزند. می کنند. قبلاً نیز ایستادگی سیاست ارتجاعی را در منطقه پیروان شهر، روستاها را تخریب و در برخی روستاها منطقه سرکشت به اجرا در آورده اند.

کردستان، هر کجا که توانست با گنج دادن اجباری اهالی به تخریب خانه و گشائانه آنها دست یازیده است. در خرداد ماه نیز جاش های سبز و در رژیم با حمله به روستاهای ناصر آباد، کونجدرین و کوشان بالا در منطقه اورمیه اهالی زحمتکش این روستاها را از خانه هایشان بیرون رانده، و به سران کردن خانه هایشان می پردازند. مزدوران رژیم به اعتراضات اهالی این روستاها وقتی تنباده و با

از صفحه ۱۴
مزدوران رژیم در ادامه سیاست کج اجباری سه روستا را در برابر چشمان اهالی تخریب نمودند

رژیم جمهوری اسلامی از یکسال پیش تاکنون سیاست جدیدی را برای تخلیه و تخریب روستاهای مقاوم کردستان در پیش گرفته است. هر چند نتوانسته است این سیاست را تاکنون به طور کامل عاقل سازد، لیکن در این با آن تیشه

پیام کنفرانس به

خانواده شهدا و زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی
و یاران دربند
رفقا و دوستان!

خانواده های شهدای
راه رهایی کارگران و زحمتکشان
خلق کرد
دیگر خلقهای سراسر ایران!

استواری و عزیمت شما در شکنجه گاهها و کشتارگاههای رژیم مرتجع جمهوری اسلامی یکی از صفات نادر مبارزات خلقهای ما در طول مبارزات رها بخش آن است. عزیمت شما، در مقابل همه ی دشمنان رژیم در برابر های مخوف آنان و همت شما در به زانو در آوردن آنان که خود را صلح بر شما می پندارند، و تبدیل شکنجه گاههای رژیم به محیط خفت و خواری برای جلادان حقیر رژیم، الهام بخش تمامی کسانی است که اینک در تمامی عرصه های خونین مبارزه سراسری و قطعی علیه رژیم جمهوری اسلامی آرامش و امنیت را از آن طلب نموده اند.

پایداری حماسی شما در زندانها و شکنجه گاههای رژیم به عنوان یکی از عرصه های شکوفایی و شکوفا مبارزه کنونی، و تحت شدیدترین تحقیرها و توهین و هتاک، بی حاشیای جلادان عقب مانده و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و تبدیل این محیط غیر قابل تحمل به مکانی و عرصه ای برای مبارزه در راه آرمان های انقلابی کارگران و زحمتکشان، الهام بخش تمامی پویندگان راه رهایی عموم توده های زحمتکراست، بر شما و بر اراده و عزیمت شما درود!

پشتازان طبقه کارگر، فدائیان خلق، طلبه داران جامعه نوین و نظم عادلانه بشری، قهرمانان عرصه ناپودی هرگونه ستم و ستمگری، یاران سازش ناپذیر،

صلابت عزیمت شما، در شکنجه گاهها و کشتارگاههای رژیم، بیان رسالت طبقه ای است که امسک با گام های پرطنین خود، لریزه بر اندام رژیم سرمایه داران و مرتجعین حاکم انداخته است، و رزمنان پایداری رزمنان استوار و پرمهر!

کنفرانس خرداد ماه ۶۴
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کهنه کردستان

شما که در راه رهایی از ظلم و ستم، فقر و محرومیت و بدبختی، عزیزان خود را از دست داده، و پیش از غش مال است که در زیر بمباران، خمپاره باران و توپ باران و پورش های دوشاخه رژیم جمهوری اسلامی، یکی از عظیم ترین نبردهای انقلابی را به پیش برده و بار سنگین حفظ دستاوردها و ادامه قدرتتد آنرا تضمین نموده اید، بر شما درود، و بر خون فرزندان دلیرو و صلحجویان، که در سنگر رهایی و استقرار جامعه ای دموکراتیک و عاری از فقر و بدبختی و مذلت جان باختند، که خون سرخشان خاک کردستان قهرمان را بارور ساخته، هر گوشه آنرا در آتش گدازان نبرد بی امان زحمتکشان این دیار به جهنمی برای سرکوبگران خلق کرد بدل نموده است.

بر شما و بر دیگر همچین نمایان درود که در سراسر ایران چه بیارند و سوگواری جانباختگانی هستند که قبرخانه در مقابل رژیم مرتجع و حامی سرمایه داران و سنگران استاند و با سرافراشته لریزه بر اندام جلادان رژیم جمهوری اسلامی انداخته و با ملات آهنین خود جوخه های تیرباران را تحقیر نموده و با در نبرد رزماری در این با آن گوشه ایران در رزم رزماری جان باختند، رزمنان پایداری، رزمنان همه استوار، راهشان پرمهر، آرمانشان در قلهای پر تپش تمامی رهروان راستین راهشان جاودان!

و اختصار بر پشتازان کمونیستی کسه در راه رهایی و دموکراسی و سوسیالیسم پیشاپیش صفوف طبقه کارگر ایران، این پرچمدار رهایی همه زحمتکشان و محرومان جامعه، پرچم ظفر نمون مبارزه را یک لحظه از کف ندارند، و آرمان نهایی بشریت را در عزیمت و اراده و صلابت مبارزه شان تجسم بخشیدند!



از صفحه ۱

ضرورت وحدت

(روز دوم خرداد ماه، رادیو صدای فدائیس، گفتاری را پخش نمود که موضوع سازمان مبارزات ملیون شعارهای وحدت طلبانه، برخی نیروها هرچند روشن تر می نمود، نظر به اهمیت این گفتار و نیز اهمیتی که سازمان ما به وحدت عمل اصولی نیروهای انقلابی در این مقطع حساس دارد، ما عین این گفتار رادیوئی سازمان را دربرگای گه ل درج می کنیم.)

نیروهای انقلابی و مبنای عملی آن

۱- انحلال تمام ماشین نظامی- بوروکراتیک دولتی موجود و تسلیح عمومی خلق و اتمام حاکمیت مستقیم توده ها از طریق شوراهای

۲- جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت

۳- حق ملت های تحت تسلیم ایران در تعیین سرنوشت خویش

۴- الفاء کلیه قرارداد های امارت بار امپریالیستی، ملی کردن تمام منابع و مؤسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و انحصارات امپریالیستی، ملی کردن تجارت خارجی و مؤسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ

۵- ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل به عنوان یک خواست عمومی کارگران

۶- برقراری کنترل کارگری بر تولید و کنترل توده ای بر توزیع

۷- ملی کردن کلیه اراضی و مراکز، صنایع طبیعی و زیرزمینی، مذهب، قسری اراضی و املاک زمینداران بزرگ و واگذاری آنان به دهقانان و لفقو کلیه زمین و بدهی دهقانان به دولت، بانکها، سرمایه داران، ملاکین و رباخواران

این آن رئیس کلی اهدافی است که پاسخگوی درخواست های توده های مردم در مرحله کنونی انقلاب است.

کسی نمی تواند طرفدار انقلاب و خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تحولات انقلابی- دمکراتیک در ایران باشد، اما از پذیرش این درخواست ها که تضمینی برای پیروزی انقلاب و تحقق اساسی ترین درخواست های توده های مردم است سر باز زند.

پسند اول - بیانگر اعتقاد به این امر است که با سرنگونی رژیم

شعار ها فی نفسه از هیچ تحول انقلابی و دمکراتیک معینی سخن نمی گویند. تجربه جنبش انقلابی توده های مردم ایران علیه رژیم شاه به خوبی نشان داد که نه شعار انقلاب به طور کلی و نه سرنگونی رژیم شاه هیچچیز نیست، توانست، به معنای تحقق اهدای انقلابی و دمکراتیک جنبش و پیروزی انقلاب باشد. رژیم شاه سرنگون شد، اما رژیمی به همان اندازه ارتجاعی جایگزین آن گردید و مصائب بیشتر تازه ای برای توده های مردم ایران به بار آورد. امروز هم کسی نیستند کسانی که از سرنگونی رژیم سخن می گویند و حتی شعار انقلاب آن هم از نوع نهی آنرا طرح می کنند، اما در واقع خواهان حفظ نظم ارتجاعی بوروکراتیک حاکم بر ایرانند. برای اینکه شعار سرنگونی و انقلاب به امری بی تبدیل نشود، و مبنای عملی، صریح و روشنی برای اتحاد نیروهای انقلابی و دمکرات گداشته شود و در انتظار عموم توده های مردم روشن گردد که چه کسی حقیقتاً

به انقلاب و اتحاد مبارزاتی اعتقاد دارد، باید هر سازمان و حزب سیاسی که در پی اتحاد با نیروهای انقلابی است نظر خود را نسبت به اهداف انقلاب و درخواست های توده های مردم در انقلاب روشن سازد.

این اهداف بلاواسطه انقلابی که می تواند پایه اتحاد نیروهای انقلابی و دمکرات در مرحله کنونی جنبش باشد چه هستند؟

۱- سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت انقلابی

بر طبقه کارگر، اشراف- پسرولتری نیز به این تحولات بی علاقه هستند و در انقلاب شرکت ندارند، ضروری است که در عین حفظ استقلال طبقاتی کارگران، بر سر اهداف فوری انقلاب با دمکرات های انقلابی ایران، اتحاد مبارزاتی داشته باشیم و حتی توافق های مبارزاتی امضاء کنیم.

اما این اتحاد نه در شعار و حرف، بلکه باید در عمل صورت بگیرد. ما طرفدار هیاهویی وحدت طلبانه و شعارهای توخالی وحدت طلبی نیستیم، ما به اتحاد مبارزاتی در عمل و نه در حرف معتقد هستیم. تنها آن اتحادی عملی و واقعی است که بر چنانی معیارها و اصول معین بنا گردد. نخستین شرط هر اتحاد عمل واقعی باید روشن شدن این مسئله باشد که ما با چه کسانی، بر سر چه اهدافی و تا کی می توانیم وحدت داشته باشیم. این امر مستلزم آن است که وضوح و روشنی کاملی در نظریات، اهداف و مقاصد سازمان های سیاسی وجود داشته باشد. این امر خود وضوح و صراحت را در مناسبات بین سازمان ها و احزاب پدید می آورد و هیچ چیز نمی تواند جز وضوح و صراحت کامل در مناسبات بین سازمان ها و احزاب سیاسی به امر اتحاد پیوسته رساند. امروز تنها طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برای اتحاد عمل و وحدت رزمیده میان سازمان ها و احزاب انقلابی و دمکرات کافی نیست، حتی شعار انقلاب به تنهایی کفایت نمی کند، چرا که طرح این

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی- دمکراتیک خلقهای ایران

در این میان برخی از سازمان ها و گروه های سیاسی سعی می کنند به بهانه های مختلف از جمله مستمک قرار دادن ضعف تشکل و آگاهی طبقه کارگر ایران از جنبه قراردادان چنین برنامه انقلابی - دمکراتیکی برای يك اتحاد عمل مبارزاتی سرپا زنند، آنها به ما اندرز می دهند که با توجه به ضعف تشکل و آگاهی کارگران ایران حائزانه ترین سیاست ممکن این است که ما از جنبه قراردادان برنامه تحولات انقلابی و دمکراتیک دست برداریم، اینان مداوماً از اینکه سازمان های انقلابی و خیرتی برای ایجاد يك طبقه و آلتیرناتیو نیرومند برای سرنگونی رژیم بایکدیگر متحد نمی شوند افسوس من خورند و من پرسند چرا همه نمی آیند که باهم متحد شوند و رژیم را سرنگون کنند.

طرح شعار همه باهم بدون جنبه قراردادان يك برنامه انقلابی و دمکراتیک با همسر قصد و نیتی از جانب هرکسی که عنوان شود هدفی جز به شکست کشاندن انقلاب و دست بستن از وظایف فوری سرنگونی انقلاب را دنبال نمی کند. چنین سازمانهایی در پرده شعارهای وحدت طلبانه خود در جهت تضعیف جنبش طبقه کارگر، نامن سرکردگی بورژوازی و کشاندن

ندارد، پس کسی نمی تواند خود را انقلابی و دمکرات بنامد، شعار وحدت نیروهای انقلابی و مسترقي را برای سرنگونی رژیم سردهند، اما خواهان در دست گرفتن قدرت توسط کارگران و دهقانان نباشد. کسی نمی تواند از دمکراسی و آزادی سخن بگوید.

● امروز تنها طرح شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی برای اتحاد عمل و وحدت رزمنده میان سازمانها و احزاب انقلابی و دمکراتیک کافی نیست. حتی شعار انقلاب به تنهایی کفایت نمی کند چرا که طرح این شعارها فی نفسه از هیچ تحول انقلابی و دمکراتیک معنی مشخص نمی گوید.

اما خواهان انحلال تمامی دستگاه دولتی موجود، تسلیح عمومی خلق و شوراهای محلی کسی نمی تواند طرفدار آزادی و دمکراسی باشد، اما از پذیرش جدایی دستگاه دولت از مذهب و حق طبقاتی تحت مستمک به تمین سرنگونی خود سرپا زنند، کسی نمی تواند فرد امپریالیست باشد، اما از پذیرش اقدامات مسلحانه در جهت برانداختن سلطه که آن سرپا باز زند. کسی

جمهوری اسلامی، قدرت سیاسی باید در دست نیروهای انقلاب که همانا کارگران، دهقانان و خرد بورژوازی شهری است قرار گیرد.

بند دوم - تضمینی است برای برقراری يك دمکراسی توده ای و واقعی، ماشین دولتی موجود تماماً در خدمت حفظ منافع و قدرت طبقات متکبر و ارجحانی است، مادم که این دستگاه دولتی با برجاست، هیچ تضمینی برای يك دمکراسی واقعی در ایران وجود نخواهد داشت تنها در هم شکستن تمام این دستگاه و در عوض تسلیح عموم خلق، و اعمال حاکمیت توده ها از طریق شوراهایی که به شبه ارگان های مکتسبه و اجراییه عمل می کنند، می تواند تضمینی برای يك دمکراسی پایدار و آزادی های سیاسی باشد.

بند سوم - تأکید بر این واقعیت است که بدون جدایی کامل دستگاه دولت از مذهب، هیچ محبتی از آزادی سیاسی نمی توان به میان آورد.

بند چهارم - به رسمیت شناختن قطعی و بی چون و چرا و پاسخگویی به یکی از درخواستهای طبقاتی تحت مستمک کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ است، که آزادانه سرنگونی خود را تعیین کنند، و ستم ملی برای همیشه برانند.

بند پنجم - بیانگر اعتقاد به مبارزه مسلح علیه امپریالیسم و برانداختن سلطه آن است.

بند ششم - پاسخگویی یکی از درخواست های اساسی طبقه کارگر ایران است.

بند هفتم - بیانگر اعتقاد به دمکراتیزه کردن اقتصاد و کنترل غارتگری سرمایه داران می باشد.

بند هشتم نیز پاسخگویی اساسی ترین درخواست های دهقانان می باشد.

اگر در این برنامه وقت خوب به خوبی روشن می گردد که تماماً در چارچوب يك رژیم دمکراتیک امکان پذیر است، و هیچ چیز سوسیالیستی در آنها وجود

● نخستین شرط هر اتحاد عمل واقعی باید روشن شدن این مساله باشد که ما با چه کسانی، بر سر چه اهدافی و تا کجا می توانیم وحدت داشته باشیم. این امر مستلزم آن است که وضوح و روشنی کاملی در نظریات، اهداف و مقاصد سازمانهای سیاسی وجود داشته باشد.

نمی تواند، دمکرات و انقلابی باشد، اما درخواست های کارگران و دهقانان را نپذیرد.

این است آن رهس کلیدی اهدافی که ما در مرحله کنونی انقلاب می توانیم بر اساس آنها با هر نیروی انقلابی و دمکراتی برای سرنگونی رژیم اتحاد مبارزاتی داشته باشیم و حتی توافق مبارزاتی اصفا کنیم.

طبقه کارگر به زیر پرچم بورژوازی گام برمی دارند، اینان همانگونه که گفتیم از يك سر مداوماً بر ضعف تشکل و آگاهی طبقه کارگر و از سوی دیگر بر ضرورت تشکیل يك اپوزیسیون نیرومند برای سرنگونی رژیم تأکید می کنند. ما کسان نمی گیم که طبقه کارگر ایران هنوز از آموختن تشکل و آگاهی

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ضرورت

وحدت...

برخوردار نیست نه بتواند با قدرت نیروهای انقلابی غیرولنتی را به دنبال خود بکشد، اما برخلاف ادعای کسانی که می‌خواهند، این را مستحکم برای رساندن طبقه کارگر به دنبال روی از پیروزی قرار دهند، ما معتقدیم که این ضعف تشکیک و آگاهی نمی‌تواند منجر به تکلیف کردن طبقه

نیست به دوران قبل از قیام با کیفیت نوینی در عرصه مبارزه ظاهر شده است. طبقی این دوران هزاران کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود پرورش یافته اند، رهبا هزار کارگر دیگر از طریق تقویت و استحکام فریضه طبقاتی شان طی مبارزات چند ساله اخیر، به ضرورت نفسی نظم موجود دست یافته اند و در پشت سر این کارگران میلیونها کارگری قرار دارند که فشارهای ضد انقلابی و سیاسی نظم موجود آنها را به مبارزه برای برانداختن این فشارها سوق داده است. اعتصابات خوالی چند سال اخیر آگاهی

دوران قیام در درون کارگران پاشیده شده است، امروز نتایج خود را به بار آورده است.

پس در حقیقت کسانی که ضعف تشکیک و آگاهی طبقه کارگر را مستحکم برای مدول از پیش اهداف پلاواست انقلاب قرار می‌دهند، هدفی جز تضعیف جنبش طبقه کارگر ایران دنبال نمی‌کنند، تازه هرآنچه که جنبش طبقه کارگر ایران ضعیف باشد، کسی نمی‌تواند آن را بهانه و توجیهی برای چشم پنهانی از ضرورت تحولات انقلابی و دمکراتیک قرار دهد. هرکسی که بر خود نام انقلابی و دمکرات می‌گذارد باید ضرورت این تحولات و اقدام عظمی در جهت آن را بپذیرد.

اگر رشد تارخاتی و فوران چشم انقلابی بوده، حاصل آنست نا پذیر تضادهایی است که نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران با تمام فشار و عذاب اقتصادی و سیاسی خود آفریننده آنهاست. و اگر اهداف فوری انقلاب ایران ناشی از ضرورت‌های عینی است که توده‌های مردم را به سوی تحقق این اهداف سوق می‌دهد، پس روشن است که تمام تلاشهایی که در جهت خلاصه‌سازی این اهداف صورت گرفته، با شکست روبرو می‌گردد و با پایبندی و سرمختی بر ضرورت تحولات انقلابی - دمکراتیک در جهت

هرگام در رشد مبارزه و اعتلا جنبش، توده‌ها را پیش از پیش به سوی آن خط و منی و برنامه‌های سوق خواهد داد که صریح و آشکار مطالبات توده‌ای و اهداف پلاواست انقلاب را در صدر برنامه خود قرار داده است. بدین طریق است که می‌توان مبنای برای یک اتحاد مبارزاتی عظمی بنا نهاد، و در جهت پیروزی انقلاب گام برداشت.

و همبستگی طبقاتی را در میان کارگران ارتقا داده است.

جنبش طبقه کارگر امروزه کپا از دوران قبل از قیام متمایز است. چه دلیلی بیشتر از این می‌توان ارائه داد که امروزه بر خلاف دوران قبل از قیام جنبش کارگری زائیده جنبش روشنفکران و دانشمویان

کارگر در برابر پیروزی گم‌گردد. علاوه بر این طبقه کارگر ایران اکنون تا به آن حد به آگاهی و همبستگی دست یافته است، که پیمنازترین طبقه در مبارزه علیه رژیم حاکم باشد. نظری به مبارزه طبقات و اقتار مختلف جامعه طی چهار سال از هنگامیکه رژیم جمهوری اسلامی به نیروی هم سران و دیگانتوری عیان گسیخته ضلزل گردید، این حقیقت را آشکار می‌سازد که طبقه کارگر طی این مدت تنها طبقه ایست که استوار و ثابت قدم به مبارزه علیه رژیم ادامه داده و با توسل به اشکال متعدد مبارزه به صوه اعتصاب به مقابله‌ای جدی با رژیم برخاسته است. حتی مرتجعین هیئت حاکمه نیز نمی‌توانند هراس خود را از رشد این جنبش پوینده دارند، و به خطر رشد جنبش کارگری اشاره نکنند.

کسی نمی‌تواند از دمکراسی و آزادی سخن بگوید، اما خواهان انحلال تمامی دستگاه دولتی موجود، تسلیم عمومی خلق و شوراها نباشد، کسی نمی‌تواند طرفدار آزادی و دمکراسی باشد، اما از پذیرش جدائی دوات از مذهب و حق طبقاتی تحت ستم به تعبیر سرنوشت خود، سر باز زند. کسی نمی‌تواند دمکرات و انقلابی باشد، اما درخواست‌های کارگران و دهقانان را نپذیرد.

طبقه کارگر ایران دشمن سال مبارزه سخت و پر تلاطم را در دوران انقلابی کنونی پشت سر گذارده است. تجارب ارزنده‌ای طی این مدت کسب نموده، به آگاهی‌های نوینی دست یافت و همبستگی این طبقه به شدت تقویت شده است. جنبش طبقه کارگر ایران اکنون

انقلاب و وحدت عظمی گام برداشته ایم. هر گام در رشد مبارزه و اعتلا جنبش، توده‌ها را پیش از پیش به سوی اهداف پلاواست انقلاب سوق خواهد داد که صریح و آشکار مطالبات توده‌ای و اهداف پلاواست انقلاب را در صدر برنامه قرار داده است. بدین طریق می‌توان مبنای برای یک اتحاد مبارزاتی عظمی بنا نهاد، و در جهت پیروزی انقلاب گام برداشت.

نیست به دنبال آن به حرکت در نیامده است، بلکه جنبش است مستقل که در برابر همه طبقات جامعه ایستاده است. جنبش طبقه کارگر، جنبش است که مستقلا با قوانین ذاتی و منطقی درونی خویش تکامل می‌یابد و زندگی و شرایط اقتصادی و مبارزاتی طبقه کارگر او را به سوی آگاهی و تشکیله می‌سوزد. خط مشی و برنامه انقلابی و نفسی نظم موجود سوق داده که در

نهم خرداد یاد آور روزی خونین در تاریخ خلق عرب

مقابل یورش لجام گسیخته ارتجاع در خرداد ماه ۵۸ سازمان نیافت و عمده درگیرها که گاه شکل تیر مسلحانه و گاه به صورت جنگ و تیرز خیابانی توسط اهالی با مزدوران رژیم صورت می گرفت خوب نبود و ویرانگر بود بلکه در اولین ضرباتی که کانونهای سیاسی و خلقی عرب تحمل گشتند عملاً قدرت امتقاقت خود را از دست داده و در زیر فشار از هم پاشیده شدند و دیگر امکان احیای مجدد نیافتند.

تجربیات برآورد جنبشهای توده ای در کوردستان و ترکمن صحرا بر نقش مستقیم و تسلیح تودهای و سازماندهی نظامی و حضور فعال نیروهای سیاسی به عنوان عوامل محرک در تداوم مبارزه صحت گذارد.

سازمانهای شرقی و انقلابی خلق عرب به سرعت توانستند بودند در میان توده های زحمتکش پاکرخته و هدیت اجتماعی یابند.

این امر که پیش از همه ریشه در وضعیت اجتماعی - سیاسی خلق عرب داشت، باعث گردید تا جنبش ملی مراحل مختلف از رشد جنبش کارگری و ضد امپریالیستی مردم در سال های سی و پنجاه و حتی سال های اخیر به دلیل این ضعف اساسی از پیوند عمیق با جنبش خلقهای سراسر ایران برخوردار نباشد. و همواره در معرض گزایندها تنگ نظرانته ناسیونالیستی قرار گیرد. نبود رهبری انقلابی و پیروتری و عدم سازماندهی هدفمند و آگاهانه جنبش خلق عرب بر اساس منافع کارگران و زحمتکشان باعث گردید تا عملاً رهبری این جنبش به دست شیوخ سرجمع و خوانین ارتجاعی منطقه بیافتد.

رژیم ستار جمهوری اسلامی که با یورش به خلق عرب در نهم خرداد ۵۸ روزی سیاه و خونین را آفرید، اگر چه ضربات مهمی به جنبش خلق عرب وارد ساخت و در اولین قدم های حکومت تنگنیش با اعمال سنگری سیمانه ملی و طبقاتی پرتوده هائی زحمتکش خلق عرب آنها را از هر گونه حقوق ملی، فرهنگی و سیاسی محروم ساخت

به مبارزه برخاسته اند و صفاتی خونبار صلو از جسارت و استواری در برآوردن اهداف خود را پشت سر گذاشته اند.

خلق عرب که طی چندین سال حکومت ستم شاهی آریامهر، دوران سیا هی از رنج و حقارت را با مقاومتی پایداری سپری ساخته بود، با اولین تکه جنبشهای قیام در آستانه سال ۵۷ با دیگر خلقهای ایران در مبارزه علیه ستم ظلم و ستم رژیم پهلوی هم آوا شد و بر شدت مبارزاتش افزوده گشت تا جنبش توده های تمام عیاری در میان زحمتکشان این خلق مستند شده و معروف شکل گرفت و با هدف کسب حقوق برابر با کلیه ملل ساکن ایران، رفیع ستم ملی و سرچیدن ستم و حشیانه ترین شیوه های سرکوب سر فیل نهی را در حقیقت خویش آفاز نمود.

برپای کانونهای سیاسی - فرهنگی، اولین جرعه تجلی بلاواسطه اراده و عزم تاریخی خلق عرب برای کسب حق تعیین سرنوشت خود بود. اما علیرغم اهداف مشخصی که این کانونها در مقابل خود قرار داده بودند، واقعیت این بود که آنها به شکل هائی متناسب با الزامات مرحله ای يك جنبش توده ای تبدیل نگشتند. جنبش توده ای خلق عرب فاقد يك سازماندهی منجم و یکارچه بود. زحمتکشان عرب در شکل های خاص خود یعنی همان ارگانهای توده ای که ضمن حفظ قدرت و ابتکار آنان است سازمان نیافتند و بدین لحاظ مبارزات آنها با وجود ابعاد پیچیده و زمینه های عینی اثر مستقیم و پایدار نماند و در اولین یورش های ارتجاع شعله های آن رو به افول گذارد و تاثیرات ناشی از آن خود را به شکل ملموسی نمایان ساخت.

نه تنها مقاومت توده ای در

۶ سال پیش، در روز نهم خرداد ۵۸ رژیم جمهوری اسلامی طی توطئه ای از پیش طرح ریزی شده، یورش سیمانه ای را به خلق عرب آغاز کرد و قسب کارگران و زحمتکشان مستند شده عرب را آماج گلوله قرار داد.

در این روز پاسداران، تکاوران سرکوب ارتش، به همراه مزدوران سازمان ارتجاعی اصل در سرکوب جنبش انقلابی خلق عرب از هیچ جنایتی فروگذار نکردند و آشکارا با آفرینیدن صحنه های هولناکی از کشتار و قتل عام، صمیمیت و دوستی خود را به نمایش گذاردند.

مزدوران رژیم صدها تن از زحمتکشان عرب از سرد و زن و پیر و جوان را در خون خود غرقه ساختند. عده بیشماری از مردم بی دفاع را دستگیر و دهها خانه و کاشانه مردم را صران و در میان آتش و دود به تلی از خاکستر بدل نمودند.

در آن روزها ارتکاب اینگونه جنایات از سوی رژیم برای بخش وسیعی از توده های مردم باور نکردنی بود. اما رژیم جمهوری اسلامی که با استفاده از توده توده ها در مردم محروم و انبند امال و اهداف انقلابی آنان بود در سرکوب خونین خلق عرب یکبار دیگر پوده را و فریب را از چهره برگشید و با تمسخر و آشکارا به حقوق و آزادیهای دمکراتیک توده های زحمتکش خلق عرب، دشمنی خود را با کلیه خلقهای ایران به نمایش گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی چنین یورش ددمنشانه ای را در همان روزهای اول حکومت تنگین خود، به خلقهای کرد و ترکمن نیز آورده بود و دست به کشتارهای نافرمانی در کوردستان و ترکمن صحرا زده بود، ولی هرگز نتوانسته بود این چنین ددمنشانه عمل نموده و ضربات مهلکی بر جنبش انقلابی در کوردستان و ترکمن صحرا وارد آورد.

خلق عرب نیز همچون سایر خلقهای ایران سالها درازی است که تحت تعدی و انقیاد نظام ستارانه حاکم قرار داشتند. اما مردم عرب همواره در مقابل اعمال ستم توسط دستگاههای سرکوبگر و دستگاههای سریش و طویل بوروکراسی آن

تحليل تظاهرات

از صفحه ۱۸

داشته باشد، و گرنه
غير اين صورت موضوعي ها
پيرامون يك سري اخبار و
اطلاعات موعوم، در مورد يك
تيروي سياسي، بين آن كه
نشانه پي رقي باشد، نشانده
چيزي جز سرگرداني سياسي
نبوده بود، به صژه وقتي كه
خود موضوعي، هم نشان از
دم خريص داشته باشد و هم
پهان از قسم حضرت عباس.

حزب دمكرات كردستان در
گفتار راديويي روز اول خردادماه
خود دست به ابتكار جالبي زد
و خبر از تظاهرات موهومي
داد كه گويي به دعوت سلطنت-
طلبان و شخص شخصي شاپور
بختيار در تهران صورت گرفته
است. حزب دمكرات بعد از
تكرار خبر چنين تظاهرات
موهومي از قبل خبرگزارى هاى
معلوم الحال، در پايان اين
گفتار با تاثير گفت:

"بايد هشيار بود از اين
حركت اعتراضى كه در آن از
جهت تجزيه تيروها جدا كردن
زحمتكشان از بقيه تيروها
بهره بردارى ننمايند. چرا كه
در شرايط كنشني ايجاد تفرقه
بين تيروها به ابتاء رژيم كمك
خواهد كرد پس.

البته حزب دمكرات عليرغم
دلسوزي و اظهار ناظر عميق از
ناگاهي تيره ها كه گويي به
دعوت شاپور خان بختيار ليبيك
گفته بودند، واك دست شدن آنها
و تاخت و تاز پي محابا به
جناب بختيار و شريك در حقيقت
يا اين گفتار واهي، قبل از همه
دست به كساي زد كه هرگز از خود
جناب بختيار هم ساخته نبود.

دروغ بزرگي را كدر بده، هاى
امپرياليستي رنده شده ريزگر
شده بود، به جاي واقعيت از
راديوي خي پخش و حشسي
پيرامون آن به تحليل و رزيابي
پرداخت. تفرقه و تشتت
اپوزيسيون انقلابي را قبل
از همه توجه گرفت، ناگاهي
نوده دارا، صيله قرار داده،
آرامش نسبي و خيستمن داري
مزدوران سرگوبگر رژيم را
به سلطان نشانده قدرت كترول

رژيم وارد تفسير خود كرد،
عليرغم حمله به سلطنت و بختيار
خطر سلطنت را عمده كرد،
چيزي كه امروز ديگر يك توهم
بينتر نيست و در هميا نتيجه گيري
ديگر ...

حزب دمكرات كه گويي اين
خبر مهم را از خبرگزارى هاى
خارجي و از راديوهاى آنها
دريافت كرده بود، توجهي به اين
واقعيت نكرد و يا نفواست
بنكند كه رايي گيست. حزب
دمكرات توجهي به اين
واقعيت نداشت كه خود خبرگزارى ها
با چه زيركي و ترسستسي
هشيارانه اي راه رفتن عادي مردم
تهران در پياده روا و ترافيك
عادي و رايي خيابان هاى تهران
را به حساب جاري تظاهرات
بختيارچي ها گذاشتند، حزب
دمكرات حتي به اين امر نيز
توجه نكرد كه روزهاى جمعه
در مناطق شمال تهران به جز
راه بنديان، نبايد انتظار ديگرى
داشت و خود حضرت بختيار
خبر از اين واقعيت آگاه است.
در واقع مي توان گفت حزب
دمكرات بدون توجه به اين
واقعيت روي حساب خالي جناب
بختيار چك سفيد كشيده توهم
پراكني هاى موجود را جنباى
گفتار راديويي خود قرار داد. و
به تجزيه و تركيب و تحليل
عوامل پرداخت.

از همه اين ثاني گر بها گذشته،
امروز براي جنبش انقلابي
زحمتكشان نه تنها كردستان،
بلكه سراسر ايران اين امر
مهم و خطرناك است كه چرا
حزب دمكرات كه پرستار شعار
"فادريست آزادي هاى بدون قيد و
شرط اين همه اقتدار دارد، چگونه
به نازي اينقدر "دمكرات"
شده كه بدون توجه به صحت
و سقم اخبار و زل با اعتقاد به
خبرگزارى هاى خارجي مورد نظر
خود و بدون هشيارى لازم به
پخش شايعاتي مي پردازد كه جز
ايجاد "سرگرداني" تجزيه
تيروها و جدا كردن
زحمتكشان از بقيه تيروها
از البته حزب دمكرات روغن
نمكند كه اين بقيه تيروها
كي ها هستند و چه نقشي در
جنبش ايران دارند (و دامن
زدن به تمايلات پوسيده و
مهدم شده سلطنت طلبان در
ميان مردمى دارد كه به قول
خود حزب دمكرات آنرا، يعني
سلطنت را يك بار به گسور

صبرده اند و بگذار ما اضافه
كنيم برخلاف توهمات بختيار و
حاميان آن براي هميشه از
صحنه تاريخ ايران محو خواهند.

آيا مي توان گفت كه اين امر
يعني پخش خبر چنين تظاهرات
تكرار كننده و هشدار
دهنده اي يك امر تصادفي
است همانطور كه پخش
صاحبه واره صاحب نظر ليبرال
ملك مورد نظر حزب
دمكرات از صداي كردستان
تصادفي بود؟



توضيح و تصحيح:

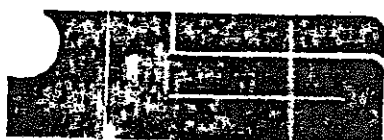
با پوزش از خوانندگان لازم به
توضيح است كه در شماره ۲۹
ريگاي گول در مقاله "وضعيت
جنبش انقلابي خلق كرد و
چشم انداز تاكتيك مذاكره" صفحه اول
ستون سوم سطر دوم يك
اشتباه چاپي رخ داده است و
بدين صورت درآمده است:

"زماني كه عوامل عيني يك
نبرد اقتصادي تشديد ...

كدرست آن چنين است و بدين
صيله تصحيح مي گردد:

"زماني كه عوامل عيني يك
نبرد اقضا تشديد ...

نشریه



ارگان

سازمان چركه‌اي فدائي خلق ايران

را بخوانند

اخبار جنبش توده‌ای

اعتراضات توده‌ای علیه جنگ ارتجاعی

به دنبال بهارن وحشیانه اکثر شهرهای ایران و عراق و گسترش دامنه جنگ در پشت جبهه‌های رسمی آن، اکثر شهرهای کردستان انقلابی نیز بهارن گشته و هزاران نفر از اهالی آنها آواره و بی خانمان شدند. این بهارن‌ها در کردستان انقلابی زمانی صورت می‌گیرد که بیش از شش سال است خلق قهرمان کرد هر روز و هر ساعت در معرض توب باران و یورش‌های دروغشانه رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد.

در ماه‌های اخیر و به دنبال بهارن شهرها، اعتراضات ضد جنگ اکثر شهرهای کردستان صورت گرفته است. که در زیر چند نمونه از آنها را می‌آوریم.

★ روز ششم اردیبهشت ماه در مشهد تظاهرات علیه جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت که طی این تظاهرات شعارهایی علیه جنگ و رژیم از خیابان گنوسی به طرف خیابان ولیعهد سابق و دسته‌ای دیگر از طرف زندان شهر به سوی خیابان گشن به حرکت درآمدند. پاسداران مزدور رژیم که جرات نزدیک شدن به تظاهرات را نداشتند، به دنبال تظاهرکنندگان به راه افتاد و زنیان را شاهد هر لحظه انبساط تر شدن نفوذ متروین گشتند. این تظاهرات یک ساعت به طول انجامید و تظاهرکنندگان بدون آن که مزدوران رژیم امکان دخالت پیدا کنند پراکنده شدند.

★ در بهارن شهر نیز اعتراضات علیه جنگ صورت گرفته است. این شهر بر اثر بهارن‌های متعدد رژیم عراق به گسسی ویران شده است و خسارات جانی

و مالی زیادی به اهالی آن وارد آمده است و در واقع بهارن شهر امروز سیاسی یک شهر صرانه را به خود گرفتار است. اهالی شهر را تخلیه کرده و آواره روستاهای اطراف شده‌اند. تعدادی از این آوارگان در شهر کوه و پشته که یک مجتمع مسکونی دولتی است سکنی گزیده‌اند.

اخیراً مزدوران رژیم به آوارگان این شهر فشار آورده‌اند که ساختمانهای دولتی را تخلیه نمایند. اما مردم هم چنان به مقاومت در مقابل خواست مزدوران رژیم پرداخته از تخلیه شهر که ویده خودداری نموده‌اند. فرمانده مزدور سپاه پاسداران بعد از آن که از تخلیه شهر نومید گشته است، آوارگان ساکن آن را تهدید کرده است که اگر شهرک را تخلیه نکنند با بولدوزر ساختمان‌ها را ویران خواهد کرد. ولی تهدید او نیز نتوانست در عزم و اراده این زحمتکشان خللی وارد آورد و آنها هم چنان در مقابل خواست مرتجعین مقاومت نموده و دست به اعتراض زده‌اند. اما مزدوران رژیم از کار باز نایستاده با گریز و بولدوزر در محل حاضر شده تلاش نموده‌اند که تهدید خود را عملی نمایند. این اقدام مزدوران بر شدت خشم و آزار اهالی افزوده و اعتراضات آنها را شدت بخشیده است. اهالی این شهر دسته جمعی در ادامه اعتراضات خود جلوی فرمانداری بهارن شهر رفته و به دفاع از حق برخورداری از سرباهی برای زندگانی برخاسته‌اند.

همچنین در تاریخ ۲۰ خرداد ماه نیز دانش‌آموزان شهر بهارن که به علت بهارن شهر و ویرانی آن آواره روستاها شده‌اند، در روستای گزینک هنگام برگزاری امتحانات آخر سال با پاسداران درگیر شده و یکی از آنها را خلع سلاح می‌کنند. روز ۱۱ خرداد ماه نیز همین دانش‌آموزان با پشتیبانی و حمایت مردم روستا دست به تظاهرات زده و به حضور پاسداران مزدور در جلسات اعتراضی اعتراض می‌نمایند و نفرت و آزار خود از این مزدوران مرتجع را به نمایش می‌گذارند.

در بانه نیز روزنهم خرداد ماه دانش‌آموزان مدرسه خاکی که به علت بهارن و ویرانی شهر آواره روستاها شده‌اند، نسبت به رفتار سرکوبگرانه مزدوران رژیم دست به اعتراض می‌زنند. آنها هنگامی که برای برگزاری جلسه اعتراضی می‌رفتند، بعد از مشاهده حاصره روستا توسط مزدوران رژیم به این کار مزدوران اعتراض می‌کنند. اما مزدوران رژیم به اعتراض آنها اعتنا نمی‌کنند، هم چنان به حاصره روستا ادامه می‌دهند دانش‌آموزان نیز به عنوان اعتراض جلسه امتحانی را ترک کرده و با دادن شعار و سرود خوانی مخالفت خود با آشکار می‌سازند. رئیس آموزش و پرورش دانش‌آموزان را دعوت به آرامش نموده، از آنها خواهد پرسید چرا جلسه امتحانی برگزار نمی‌کنند اما دانش‌آموزان انقلابی پیگیرانه روی خواست خود بنی بر رفع محاصره از روستا، پسای می‌فشارند. و به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. رئیس مرتجع آموزش و پرورش، زمانی که از تهدیدات خود نتیجه نمی‌گیرد، دانش‌آموزان را هم چنان بر تصمیم خود استوار می‌بیند، امتحانات را ملغی اعلام کرده، بدین وسیله بر کار یک ساله فرزندان زحمتکش این منطقه خط بطلان می‌کشد.

★ اهالی زحمتکش شهر ربط نیز در روز بیستم خرداد ماه بعد از بهارن شهر توسط هواپیماهای رژیم عراق، با شعارهایی علیه جنگ و علیه رژیم، دسته جمعی مجبور به تخلیه شهر می‌شوند و آواره کوه و دشت می‌گردند.

★ کرد قرب نیز همچون اکثر شهرهای کردستان از آوارگی جنگ ارتجاعی بی‌نفع مانده و

☆ اخبار جنبش نوده ای

برای چندمین بار در تاریخ ۲۷ خرداد ماه توسط رژیم مبارک بهاران در ۲۰۰ نفر گشته و بیش از ۱۰۰۰ نفر زخمی از خود بر جای گذاشت. مردم شهر در حین پیروزی کردن اجساد گشته شدگان و مجروحین بهاران به شعار دادن علیه جنگ و رژیم و سیاست های جنگ طلبانه سرجمعین حاکم پرداخته و دست به تظاهرات زدند. که منجر به دخالت مزدوران رژیم و تیراندازی پاسداران به صفوف تظاهرکنندگان گردید که طی آن و نضیر به شهادت رسیدند.

چند خبر از سنج

باتوجه به روایات انقلابی مردم مبارز شهر سنج مزدوران رژیم به انحاء گوناگون تلاش می نمایند که به آزار و اذیت مردم پرداخته و بدین وسیله زهرچشی از آنها بگیرند. نمونه های متعددی از این گونه اعمال رژیم را در ماههای قبل آورده ایم. مزدوران رژیم در هر کجا که توانسته اند نه تنها در شهر سنج بلکه در اقصی نقاط کردستان برای درهم شکستن روحیه انقلابی توده های خلق کردها دست به هر جنایتی زده اند. اما جنایات و اقدامات درمضانه آنها هیچ گاه از سوی توده های زحمتکش و قهرمان خلق کرد بی پاسخ نمانده است.

در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه ماشین گشت تارالک در یکی از محلات شهر به نام که که جار مورد سنگباران اهالی قرار می گیرد و مردم زحمتکش محله با چوب و سنگ به جان مزدوران اقتصاد، پیشه های ماشین را شکسته و تمامی سرنشینان آن را زخمی می نمایند. مزدوران رژیم از

روزها دیگر خالی بودن صفوف نماز جمعه رژیم چنان آشکار گشته است که امام جمعه شهر از پشت بلندگو به تهدید کسبه و اصناف پرداخته که اگر در نماز رژیم شرکت نکنند، مضاره های آنها تخته خواهد شد و

عین همین صاله در برگزاری روز قدس رژیم در شهر سنج کاملاً مشهود بود. سبزهوران رژیم در این روز در جلو مسجد جامع شهر به حضور و غیاب کنارشدن پرداخته بودند. ولی با این همه علیرغم تهدید کارمندان جز تعداد قلیلی از مزدوران مسلح رژیم کسی در محل برگزاری مراسم حاضر نشده بود. از همین رو نیز مزدوران رژیم سرا سیه به خانه ها و مضاره های مردم شهر حمله برده و تلاش نمودند با تهدید و اوهساب مردم را به راهپیمایی روز قدس و هم، بکشانند. پاسداران رژیم در این روز هر کسی را که بازداشت می کردند، اسلحه ای بر دوش انداخته و به تظاهرات مزدوران رژیم روانه می کردند آنها زحمتکش شهر سنج را تهدید می کردند که اگر در راهپیمایی روز قدس شرکت نکنند کوبیدن سواد فدائی آنها قطع خواهد شد.

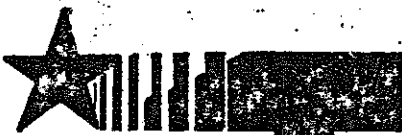
مقرهای اطراف خواستار اعزام نیروی کمکی می شوند. که بعد از چند لحظه چند ماشین پاسدار و یک آمبولانس به محل می آیند. پاسداران رژیم با توکیل به تیراندازی و اوهاب به دستگیری مردم می پردازند و ۱۰ نفر از اهالی محله که که که جار را دستگیر می نمایند. که مورد اعتراض مردم قرار می گیرند و مجبور می شوند هفت نفر از دستگیر شدگان را همانجا آزاد نموده و با عجله جان خود را از چنگ اهالی خشمگین محله رها سازند.

☆

روز جمعه ۲۷ اردیبهشت ماه نیز پاسداران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در بلوار شهر به توهین و اهانت به مردمی که در محوطه بلوار بودند پرداخته و تلاش می نمایند، هر چند آنها با اعتراض مردم روبرو می شوند، ولی با دناقت تمام باز هم به کار خود ادامه می دهند. بالاخره بعد از چند درگیری لفظی مردمی که در محوطه بلوار بودند به درگیری با پاسداران پرداخته و به ضرب و شتم آنها می پردازند و آنها را از محوطه دور می نمایند اما بلافاصله گروه گشت مزدوران خود را به محل رسانده، اقدام به دستگیری مردم می نمایند. که باز با اعتراض بهارچیه مردم روبرو می شوند. این بار نیز پاسداران سرجمع با مردم درگیری می شوند. جمعیت معترض بعد از این درگیری هر دم اقزوتتر شده و با دادن شعارهای ضد رژیم و حمله به مزدوران، آنها را مجبور به ترک بلوار می نمایند. پاسداران رژیم قرار را بر قرار ترجیح می دهند.

☆

مزدوران رژیم برای برگزاری نماز جمعه در شهر سنج بیشتر از جاش های شهر و اطراف استفاده می کنند. این



استقلال و اقتصاد از خود
بشیعه کمونیستی

منتشر شد

کهنه کردستان
نهای فدائی خلق ایران

از انتشار
سازمان

کردستان کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد

اخبار جنبش توده‌ای

اعتراضات توده‌ای علیه

تسلیم اجباری

زحمتکش خلق قهرمان کردستان
اعتراضات و مقاومت‌های دلیرانه
خود تمامی سیاست‌های ارتجاعی
رژیم را همچون شترسال گذشته
نقض بر آب ساخته‌اند و ناتوانی
و زبونی رژیم در اعمال سیاست‌های
سرکوبگرانه‌اش را یکبار دیگر
به نمایش گذاشته‌اند. در ریزش
گوشه‌ای از این مبارزات توده‌ای
را نقل می‌کنیم.

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه
سیاست‌های ارتجاعی و سرکوبگرانه
خود در کردستان در زمینه تسلیم
اجباری زحمتکشان روستاها و
سرازمگیری اجباری این ماه نیز
هم چنان به آنجا گوناگون
بر فشارهای ارتجاعی خود نسبت
به توده‌ها افزوده است و به هر
حیله‌ای حوصله گشته است و سعی
هم چون گذشته موفق به تحقق
اهداف خود نگشته است. توده‌های

وحشت از روحیه انقلابی آنها
اسلحه بدین سوزن به آنها
تحویل می‌دهند. اما
اهالی روستای باغلوچه
نیز بارنقره و در مقابل
آنها دست به مقاومت می‌زنند،
و در اعتراضات قهرمانانه خود
نفرت و کین خود را در شعارهای
خود رژیم آشکار می‌سازند.
مزدوران اهالی زحمتکش این روستا
چندین بار تظاهرات دسته‌جمعی
آنها را به گلوله می‌بندند.
ولی اهالی هم چنان دست به
اعتراض و مقاومت می‌زنند و
سلاح‌های بدین سوزن رژیم را
که بر آنها تحمیل شده است به
مزدوران پس می‌دهند. اما
پاسداران رژیم از پس گرتن
سلاح‌ها خود داری می‌کنند.
اینکه اهالی این روستا که حاضر
به تسلیم اجباری به نفع رژیم
نیستند به عنوان اعتراض
روستا را تخریب نموده و به شهر
سفر کرده‌اند و در آنجا به
به راه انداختن تظاهرات و دادن
شعارهای ضد رژیم مخالفت
خود را با اندام مزدوران رژیم
اعلام کرده‌اند.

اهالی روستای باغلوچه
در ادامه مقاومت و اعتراض
دسته‌جمعی در مقابل سیاست
تسلیم اجباری مجبور به تیرک
خانه و کاشانه خود شده و آواره
روستاهای اطراف گشته‌اند.

همچنین مزدوران رژیم به
اهالی روستاهای منطقه
گورک سفر فشار آورده
و از آنها خواسته‌اند که روستاهای
گانی نهره و ... را تخریب
چند روستای دیگر از جمله
سونج و ... باغلوچه نیز
فشار آورده‌اند که اسلحه به نفع
رژیم بردارند. ولی اهالی این
روستاها نیز مخالفت خود را با
خواست ارتجاعی رژیم اعلام
داشته، حاضر به چنین کاری
نشده‌اند.

در اشد به نیز مزدوران
رژیم به اهالی روستای نه لوس
فشار آورده و از آنها خواسته‌اند
که سلاح دهند. اهالی این
روستا نیز همچون دیگر
زحمتکشان کردستان از تن دادن
به چنین کاری خود داری نمودند.

مزدوران رژیم در همین منطقه
تلاش نمودند که اهالی زحمتکش
روستای ایندرقاش را که
در سال ۳۰۵۸ نفر از اهالی
آن توسط اواشان رژیم
جمهوری اسلامی قتل عام شده
سلاح نموده و با حیله و تیرک
بر جنایات خود پرده ساقط کنند.
اما اهالی قهرمان و زحمتکش
ایندرقاش خاطره هولناک
جنایات ضد بشری مزدوران رژیم
را هنوز فراموش نکرده‌اند.

هم چنین در این ماه جاش‌های
مزدور رژیم سرزمین روستاهای
دول شیخان در منطقه
مهاباد را مورد انبساط و تزار
قرار داده و از آنها خواسته‌اند
که به نفع رژیم اسلحه بردارند
ولی اهالی زحمتکش این روستاها
نیز از تسلیم شدن به خواست
مزدوران رژیم سرباز زدند و
تمامی تفرقه‌های آنان را بسا
شکست و روبرو ساخته‌اند.

در سفر نیز مزدوران رژیم
اهالی روستاهای منطقه
تورجان به ویر
اهالی روستای باغلوچه
را تحت فشار و انبساط قرار دادند
که اسلحه برای رژیم بردارند.
مزدوران رژیم برای انجام
اهداف سرکوبگرانه خود به هر
شیوه‌ای متوسل شده، سرزمین
روستا را دستگیر می‌کنند و

در منطقه سرزنش
مزدوران رژیم در ادامه سیاست
ایجاد پایگاههای جدید در
تاریخ و خرداد ماه نیز در
روستای ماسای اقدام
به تاسیس پایگاه نموده، از این
طریق تلاش کردند تا زحمتکشان
این روستا را مجبور به تسلیم
به نفع رژیم بنمایند. اما این
اقدام پاسداران رژیم و جاش‌های
مزدور با مقاومت روبرو
مردم روبرو شده است.

در منطقه مهاباد نیز اهالی
روستاهای سرچنار
تبارکندی و سه و
قوت‌آباد و خطائی
از سوی مزدوران رژیم تحت
فشار قرار گرفته‌اند و مزدوران
رژیم در این ماه تلاش نمودند
که با ارعاب اهالی زحمتکش این
روستاها را مجبور به تسلیم به
نفع رژیم بنمایند. اما در این
روستاها نیز مزدوران رژیم با
مقاومت قهرمانانه توده‌ها
روبرو گشته و اهالی با ایستادگی
خود تن به چنین خفتی ندادند.

همچنین مزدوران رژیم در
منطقه شارویران مهاباد به
تشکیل شوراهای اسلامی
تلاش نموده‌اند. از این ارگانهای
جاسوسی رژیم برای پیشبرد
سیاست‌های ارتجاعی خود سود
جویند. پاسداران و دیگر

سرکباری برای نیروهای سرکبار رژیم تبدیل گشته اند.

ما در زیر چند نمونه از این گونه اقدامات ارتجاعی مزدوران رژیم را می آوریم:

مزدوران رژیم در تاربخ شانزدهم خرداد ماه به روستای "قوله سویری" در منطقه "سازار سردشت"، حمله می کردند و با ارباب و اهالی روستا را به پایگاه خود برده، به آزار و اذیت آنان می پردازند. آنها بدون آنکه به اعتراضات زحمتکشان روستا وقتی بپایند،

به ضرب و شتم آنها پرداخته و دست و پای چند نفر را شکست و یکی از اهالی را جلو چشم آنها تیرباران می کنند. خواهر فرد زحمتکش تیرباران شده، خود را به روی جسد پسر جان و خلاص شده برادر خستون می اندازد. اما مزدوران رژیم با سر نیزه به سوی او حمله کرده، او را زخمی نموده و از جسد جدا می نمایند. مزدوران رژیم که با قریب و اقربای زحمتکشان روستا رو به رو شده بودند به سوی آنها تیر اندازی نموده و یکی دیگر از اهالی را نیز به شهادت می رسانند.

در منطقه "پیراندر تیز اهالی روستای "کوتله خان" به همین ترتیب مورد بیست و شش درمشتان مزدوران رژیم قرار می گیرند. اهالی این روستا که از ترس بهاران روزها به کوه و دشت پناه می برند و شبها به خانه و کاشانه خود بر نمی گردند. عصر روز ۲۱ خرداد ماه هنگامی که به روستای خود بر می گشتند مورد یورش مزدوران رژیم قرار می گیرند. مزدوران رژیم اول به آزار و اذیت آنان پرداخته و سپس زمانی که با اعتراضات جمعی آنان رو به رو می شوند به سوی آنها تیراندازی می نمایند و یکی از اهالی را مجروح می کنند. این کار مزدوران رژیم تنها از دانه اعتراضات این زحمتکشان نمی گذرد، بلکه با مشاهده تیراندازی درمشتان به سوی اهالی، زحمتکشان روستا با مشت های گره کرده و شعارهای ضد رژیم محمده به سوی مزدوران رژیم حمله می کنند، و نفرت و انزجار خود را نسبت به این جنایتکاران و مرتجعین اسلام می دانند.

اجرای این سیاست را با شکست قطعی مواجه ساخته است.

امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست و تجربه چندین ساله اعمال این سیاست نیز همچون دیگر سیاست های شکست خورده رژیم آشکار ساخته است که چنین سیاست هایی علیرغم تمامی درمشتن ها و زناست های رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران آن در کردستان انقلابی قابل اجرا نیست. و سرنواستی جز شکست در پیش روی ندارد. هم چنانکه خود رژیم جمهوری اسلامی نیز علیرغم تمامی تلاش های مذبوحانه و یورش های درمشتانه شش سال گذشته خود را وجود تمامی امکانات تبلیغاتی و انسانی اش توانسته است هیچ گونه موفقیت پایداری در کردستان به دست آورد.

سیاست آزار و اذیت زحمتکشان
نشانه ترس و
ترس و بی وفایی در مقابل
جنبش انقلابی خلق کرد
است

مزدوران مستقر در پایگاههای متعدد رژیم در اقصی نقاط کردستان، به انحاء گوناگون به آزار و اذیت مردم زحمتکش روستاها پرداخته، تلاش می نمایند با ایجاد جو رعب و وحشت در میان آنها، امنیت و آسایش را برای خود، دست و پا کنند. ولی واقعیت این است که هیچ کدام از این گونه تلاش های مذبوحانه مزدوران رژیم توانسته است در عزم و اراده توده های زحمتکش خلق کرد ایجاد نماید، و مزدوران رژیم در سرانجام در کردستان همیشه و در همه حال مورد حمله قهرمانانه پیشمرگان خلق کرد بوده و هستند و پایگاههای مزدوران با تمامی تجهیزات خود به زندان های مخوف و

رژیم جمهوری اسلامی درصدد اجرای سیاست سرکباری اجباری در کردستان است

یکی از سیاست های ارتجاعی رژیم در کردستان، سرکباری اجباری است که از مدت ها پیش مزدوران رژیم برای اعمال آن از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. اما همانطور که تا کنون در اخبار جنبش توده ای آشکار گردیده است، موفق به اجرای آن نشده اند. هدف این سیاست قبل از همه، جلوگیری از پیوستن فرزندان زحمتکشان خلق کرد به صفوف پیشمرگان و اعزام آنها به گنارگاههای جنگ ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی با دولت عراق است. نگاهی به نمونه های از اجرای این سیاست روشنگر واقعیت شکست رژیم است.

در تاریخ بیست و پنجم اردیبهشت ماه گذشته، مزدوران رژیم جهت سرکباری اجباری به محله "حاجی آباد" شهر سنج در یورش می برند. و بلافاصله اقدام به دستگیری جوانان می نمایند. این اقدام مزدوران با اعتراض گسترده اهالی محله رو به رو گشته و خشم آنها را برمی انگیزد. اهالی این محله با مزدوران رژیم درگیر می شوند و بعد از زد و خورد های فاصل آنها را مجبور به ترک محله می نمایند.

هم چنین در شهر بونان نیز مزدوران رژیم اعلام نموده اند که جوانان شهر برای انجام دوره سرکباری اجباری خود را به اداره نظام وظیفه معرفی نمایند. و تبلیغات وسیعی را برای برآوردن اهدای خود به راه انداخته اند. اما خود داری مردم از انجام خواست این مزدوران و روحیه اعتراضی اهالی شهر تلاش های

به يك راه حل اصولی است. این دسته از نیروها که تلاش می کنند سیاست به نعل و به میخ را پیشه کرده، از موضعگیری صریح طفره بروند، تاکنون روشن ساخته اند که اگر ادامه این درگیری ها غیر اصولی و به زیان جنبش هست، چه کسی و چرا این درگیری ها را ادامه می دهد و چرا حاضر نیست پای آتش بس بدون قید و شرط بیاید، حول چارچوب مشخص مذاکره برای قطع درگیری ها و حصول مسائل قیامین دنیرو را آغاز کند. پراستی پرسیدنی است آیا این گونه نیروها خود از قید و شرط ها برای آتش بس دفاع می نمایند؟ اگر چنین است چرا علناً در سطح جنبش اعلام نمی نمایند و اگر غیر از این است چه چیزی مانع ابراز عقیده صریح اینگونه نیروهاست اگر اعتقادی به ضرورت آتش بس دارند چرا خود را از دفاع نمی کنند. آیا این ساله رابه عنوان تنه راه حل عاجل و فوری قبول ندارند؟ چه نقشی برای خود در این پرمه حساس قائل اند؟ و چرا می خواهند فقط نظاره گر جواری باشند؟

این دسته از نیروها در عرصه سیاسی امروز کردستان چه وظیفه ای را مقدم بر این امر مهم می دانند که از نقطه نظر صریح و روشن و علنی در قبال مسائل مربوط به درگیری های کنونی که مهم ترین ساله امروز جنبش انقلابی خلق کرد است، برخوردار باشند. آیا خود این نیروها حاضر هستند، پای پلاتفرمی را که متضمن ضرورت رسیدن به يك آتش بس فوری و مذاکره برای رسیدن به يك راه حل

سیاست اصولی کدام است؟ و چرا باید...

از صفحه ۲

دمکراتیک و انقلابی برای اختلافات قیامین دنیرو باشد، اعضا نمایند و بر اساس آن سیاست اتخاذ نمایند. و هر سیاستی و هر نیرویی را که به هر نحوی مخالف با جنبش اصولی باشد در سطح جنبش منزوی نمایند؟

ما سیاست خود در قبال این درگیری ها را روشن ساخته و طی طرح سه سادای مشخصی چگونگی برخورد به این درگیری ها را روشن ساخته ایم و بر مبنای پذیرش یا عدم پذیرش مضمون چنین طرحی از سوی این یا آن نیرو نیز با نیروهای سیاسی برخورد مشخص می کنیم و از کلیه نیروهای انقلابی نیز خواهان اعلام صریح موضع خود در این مورد مشخص شده ایم که اخیراً کومه له نیز با انتشار طرحی مشابه در پیشرو شماره ۷، چارچوب چنین طرحی را روشن ساخته است که از نظر مضمون یا طرح پیشنهادی ما، فوق چندانگی ندارد. هر نیروی دیگری نیز که جدا از موضع مسئولانه ای خواهان قطع درگیری های کنونی است می تواند آمادگی خود را بر اساس مضمون همان طرح اعلام داشته و در جهت تبدیل نمودن این اعتقاد به اراده سیاسی برای تحقق علنی آن و ایجاد يك جبهه واحد سیاسی قدرتمند تحت چنین سیاستی حرکت

نمایند. ما به نوبه خود، بگرمی از چنین برخوردهای مسئولانه ای در هر سطح و میزانی استقبال نموده و خواهیم نمود، چرا که باید به این حقیقت آگاه بود که امروز دیگر بعد از ماهها، کاملاً روشن شده است که این درگیری ها چه خطراتی را می تواند متوجه آینده جنبش انقلابی خلق کرد نماید. که نشانه های آن از همین امروز نیز پیداست. پس اگر اقدامی می باید کرد، باید از همین امروز و از همین جا آغاز کرد و در عمل خواهان قطع درگیری ها بود و نه در حرف و سم هرگز و مسئولیت هر نیرویی را در ادامه وضعیت کنونی روشن ساخت و سیاست و برنامه روشنی را در قبال ساله درگیری ها ارائه نمود و جنبش را حول آن به وحدت اراده دعوت کرد. و در شرایطی که الزامات جنبش خواهان برخورد قاطع و مشخص است، از پراکنده گویی و بی ارادگی پرهیز نمود و نیروهایی را که بی ارادگی و پراکنده گویی و سیاست بد نعل و به میخ را به سیاست علنی خود تبدیل نموده اند بک قاطعیت سیاسی و علنی اقصا نمود.

ما صراحتاً اعلام می داریم که از هرگونه تلاش در این زمینه و در جهت دست یافتن به يك آتش بس فوری و بدون قید و شرط و مذاکره برای رسیدن به توافق های اصولی در روابط قیامین نیروهای سیاسی استقبال نموده، و از چنین تلاش هایی مجیدانه پشتیبانی می کنیم. و آماده هرگونه اقدام سیاسی و علنی مشخص در جهت تحقق چنین سیاستی هستیم.

خوانبر دست نشانده برده است و چوبی می داند که تنها با اتکا به اراده خود و نیرو کارگران و زحمتکشان قادر به کسب حقوق دمکراتیک خویش است.

در ششمین سالگرد کشتار خلق عرب در نهم خرداد ۵۸، با تداوم مبارزه تا تحقق خواست های برحق کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران یا در شهیدای خلق عرب را گرامی می داریم و برهنم مبارزات سیاسی زحمتکشان خلق عرب می کسب حقوق خلق خود فرستیم.

برخ ستم و محرومیت اجتماعی اقتصادی و سیاسی نقش راهگشایی خواهد داشت.

خلق عرب امروز تحقق امر مطالبات و حقوقی دمکراتیکش را در گرو پیوند مستقیم با کلیه خلقهای تحت ستم ایران و مبارزه مشترک برای درهم شکستن عامل ستمگری ملی و بوروکراسی موجود که پایه حاکمیت سرمایه داران و مترجمین می باشد، یافت است.

خلق عرب امروز در تجربه عملی بی به ماهیت سازشکار و

نهم خرداد

از صفحه ۱

و با اعمال قهر فاشیستی و مداخله ارتش و بوروکراسی سلطه حکومت اختناق و سرنیزه را بر شهوات زندگانی کارگران و زحمتکشان حاکم گردانید، و بسی سرکوب خونین خود را در تجربه هر چند تلخ و گران اما پر بار برای خلق عرب و نیروهای شرقی و انقلابی آن بود.

آموزش های این تجربه میگوین بدون تردید، در مبارزه آتی



فدائیان
خلق
سعید
سلطانپور

بمناسبت چهارمین سالگرد شهادت



این نعره من است
این نعره من است که روی فلات می پیچد
و خاکهای سکوت زمانه تاریک را می آشوبد
و با هزاران مشت گران
بر آب های عمان می کوبد
این نعره من است
خاکستر زمان را از خشم روزگار

این گلشن ستاره دنباله دار اعدای
در بهار ارضوان
در ازدحام خلق
در دور دست و نزدیک
من هیچ نیستم
جز آن حمله ای که در زمینه یک انقلاب
می گذرد
سهم و سترگ و خونین
در خون توده های زمان می قطد

و مثل خار سبزه و درختی
روئیده بر قطه های گل سرخ
آینده را
بماند
در چشم روزگار
یاد آور شهادت شوریدگان خلق
بر ارتش مهاجم این نژاد
این تزار

(سعید سلطانپور)

غنائیم بدست آمده

۱۱۱	جنگ افزار انفرادی
۱۷	انواع نارنجک
۲	بی سیم
۱۳۷۰	انواع فشنگ
۱۶۳	خشاب
۱۴	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۶	گلوله ها و مìn سنگین و نیمه سنگین
۳۴	پوشش فریب خوردگان

تلفات دشمن

۳۹۱	کشته و زخمی
۵۲	اسرای دشمن
۱۱	خود رو منهدم یا صادره شده
-	سلاحهای منهدم شده
۱۰ صندوق	مهمات منهدم شده

جدول یک ماهه
عملیات چریکهای
فدائی

۲۷ اردیبهشت ۲۷۵ خرداد

عملیات پیشمرگه

۱۷	کهن و کنترل جاده
۹	ممن گذاری
۱۷	مقابله در برابر یورش دشمن
۲	حمله به مراکز دشمن در شهرها
۲	خلع سلاح پایگاه
-	صادر و انهدام تاسیسات
۱۲	حمله به پایگاهها
۶۴	جمع

شهادت پیشمرگه

۱	شهادت اهالی بی دفاع
۱	

آمار این جدول عمدتاً از
اخبار رادیو ای حزب دمکرات
و کومهله بر گرفته شده است.

سرهک و توبی بزوتنه وهی شورشیگیرانه ی گهل ورد

از صفحه ۱۸

جنگ انقلابی در کردستان و...

بلکه انسانهای
فربه خورده‌ای در داخل
هستند که کارهای ایدئالیستی
می‌کنند.
(روزنامه جمهوری اسلامی
دوم اردیبهشت ماه)

رفسنجانی مرتجع که این
سخنان را خطاب به پادارانسی
که برای انجام مسئولیت سنگین
و قهرمانانه سرکوب‌توده‌های
زحمتکش خلق کرده عازم کردستان
بودند گفت. او علاوه بر آن که
به اراده این سرکوب به عنوان
کار مشکل اعتراف نمود،
برچند واقعیت انکارناپذیر نیز
انگشت گذاشت، از جمله این که
مزدوران در کردستان پسا
دشمن خارجی تجاوز روبرو
نیستند، بلکه با خلق مسلح و
مصلحتی روبرو هستند که
اراده کرده است پوزه سرکوبگران
خود را بر خاک مالیده، با انگاه به
قدرت مسلح خود، به حفظ
دستاوردهای انقلابی خود و حق
تعیین آزادانه سرنوشت خود،
دست یابد. خلق که مهم‌تر از
همه کارهای ایدئالیستی می‌کنند
به مزدوران رژیم ضربه می‌زنند،
بدون آن که این مزدوران بتوانند
از خود دفاعی بکنند، یعنی
در حقیقت رفسنجانی به زبان بی-
زبانی به پاداران جلاد خود
می‌فهماند که آنها از لحظه‌ای
که پایشان را به خاک کردستان
می‌گذارند، هر لحظه ممکن است
سرشان را در راه اهداف ارتجاعی
رژیم جمهوری اسلامی از دست
بدهند، و هدف این پسا آن
عطیات پارتیزانی و ایدئالیستی
رزمندگان خلق کرد قرار گیرند.

رفسنجانی به این هم اکتفا
نکرده و یکبار دیگر به شکل دیگری
مضمون حرف خود را تکرار می‌کند
تا قربانیان سیاستهای رژیم را هر چه
بیشتر شمرقم نماید:

"اما بدانید آنها که در
کردستان با شما طرف هستند،
دست به کارهای موزیانه
می‌زنند و افراد خوب و
زنده را شهید می‌کنند

در این سخنان جناب رفسنجانی
چه چیزی جز ترس و وحشت رژیم
را می‌توان مشاهده کرد. او به
کسانی که برای انجام مسئولیت
سنگین و قهرمانانه سرکوب

توده‌های زحمتکش خلق کرد به این
خطه اعزام می‌شوند، قبل از هر
چیزی می‌گوید که پیشمرگان
قهرمان خلق کرد، علاوه بر کارهای
موزیانه منظور نظر آقای
رفسنجانی گناه همان کارهای
ایدئالیستی پیش گرفته باشد، افراد
زنده و خوب را نیز شهید
می‌کنند یعنی فرماندهان،
سرکوبگران حرفه‌ای و دارو دسته
های آموزش دیده مرتجع
رژیم را نیز از سرنوشت رژیم
جمهوری اسلامی در کردستان
یعنی سرکوب قطعی بی نصیب
نمی‌گذارند.

براستی چه چیزی رفسنجانی
جنایتکار را چنین وحشت زده
ساخته است که به جای دل و جرات
دادن به مزدوران رژیم که برای
کشتار توده‌های زحمتکش پسا
کردستان اعزام می‌شوند، این
چنین جیوانانه به ضعف و زبونی
رژیمش اعتراف نماید. آن قدرتی
که این چنین لاسرزه بر اندام رژیم
جمهوری اسلامی جناب رفسنجانی
انداخته است چیزی جز قدرت
اراده و عزم آهنین خلق کرد و
پیشمرگان قهرمان آن برای تحقق
اهداف خویش نیست که اینک پیش
از شش سال است در مقابله با
رژیم جمهوری اسلامی مبارزه
خونینش را به پیش برده‌اند،
مبارزه‌ای که حتی به اعتراف
خود رفسنجانی در تاریخ این
کشور بی سابقه است.

اما رفسنجانی در پایان
صحت‌های خود علیرغم تمامی
این اعترافات به واقعیت دیگری
نیز اشاره می‌کند که بیانگش
اهمیت و نقش واقعی جنبش انقلابی
خلق کرد در مبارزه برای
سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
است. او بعد از این همه صحبت
از کارهای ایدئالیستی و بی-
هلاکت رسیدن افراد زنده

رژیمش، برای آن که بالاخره
قربانیان سیاست‌های رژیمش
را دلداری دهد، سعی می‌کند
به آنها اطمینان خاطر بدهد،
اما اینجا نیز خود او به نوعی
دیگر، به مزدوران اعزامی
حالی می‌کند که علیرغم این همه
کارهای ایدئالیستی و هلاکت
افراد زنده چرا باید آنها
نیز به خیل محکومین به مرگ
و نیستی رژیم در کردستان
پیوندند. او می‌گوید:
خودتان هم مطمئن باشید
که در حاشیای ترین جبهه‌ها
می‌جنگید که اهمیت استراتژیکی
مهمی برای این کشور دارد.
(عاجبا)

رفسنجانی با این سخنان
به خوبی آشکار می‌سازد که
حاشیای ترین جبهه برای رژیم او،
سرکوب جنبش انقلابی کارگران و
زحمتکشان خلقهای سراسر ایران
و به ویژه جنبش انقلابی خلق کرد
است. این سرکوب برای رژیم
او اهمیت استراتژیکی دارد.
او خوب درک می‌کند که حیات
تنگین رژیم او از کجا و چگونه
تهدید می‌شود چه چیزی
پایه‌های قدرت آن را هر روز
بیشتر از پیش ضلزل می‌سازد.
و به همین دلیل نیز
علیرغم عدم اعتقاد به هرگونه
موفقیتی حتی برای زنده ماندن،
مزدوران سرکوب خود را برای
سرکوب توده‌ها، به کردستان
اعزام می‌دارند و دست به
همین دلیل نیز هست که رژیم او
بعد از شش سال، جنایت و کشتار
در کردستان مجبور است هر روز
بیشتر از پیش مزدوران خود
را به کردستان اعزام نماید.
و سردمداران این رژیم همچون
جناب رفسنجانی، در مراسم
تودیع جلادان خود، به جای
رجزخوانی‌های همیشگی، ترس و
وحشت کلیت رژیم خود را به
مزدوران تازه از راه رسیده، نیز
انتقال داده، پیشاپیش سرنوشت
سرکوب اسلاف این مزدوران را
بند آنها القا نمایند. و قبل

از هر چیزی علیرغم تمامی
عواغری و ترفندهای مرتجعانه
از شکست خود سخن بگویند،
و قدرت و صلاحیت مبارزه جاری
در کردستان را علیرغم میل خود
به موضوع اصلی اعترافات
خود تبدیل نمایند.

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنست

یادفدائیان خلق

رفیق کبیر

امیر پرویز پیویان

از رهبران بنیانگذار سازمان
و خاطره شهادت حماسی او
در روز سوم خرداد ۶۰
ورفتی

سعید سلطانپور

شاعر، نویسنده و هنرمند انقلابی
که بدست جلادان جمهوری اسلامی
در تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۶۰ به شهادت
رسید.

گرامی باد



خالق کرد پیروز است

جدول يك ماهه
عليات پیشمرگان
خالق کرد

در صفحه ۱۶

اخباری از جنبش توده‌ای

• اعتراضات توده‌ای علیه تسلط
اجباری

• چند خبر از مستعج

• اعتراضات توده‌ای
علیه
جنگ ارتجاعی

• اخباری از
اقدامات رژیم
برای پیشبرد سیاست
سرمایه‌داری اجباری

• گزارشاتی از
اذیت و آزار مردم بهجتک
توسط مزدوران رژیم
در صفحه ۱۱

تحلیل تظاهرات یا اشاعه توهمات

«سلما» وقتی يك نیروی
سیاسی، خبری یا تفهیمی را
در مورد يك امر معینی را
از ارگان‌های سیاسی و تبلیغاتی
خود پخش می‌کند، با ایتقان و
آگاهی لازم دست به چنین کاری
می‌زند و هدف معینی را نیز
دنبال می‌کند، مثلاً نمی‌توان
از عطیات فلان نیروی معین
سخن گفت یا از این یا آن
موقعیت این یا آن جریان در
این یا آن حرکت مشخص صحبت
کرد، بدون آن که رد پایی
برای خود در عوامل موثر در
این موقعیت نداشت. با آنرا
به شاید هشدار تبلیغی نکرد
در هر دو صورت «سلما» آنچه
که می‌باید، همیشه مد نظر
قرار گیرد، قبل از همه واقعیت
ساجرات، آن اتفاق مهمی که
خبر به این یا آن موضعگیری
میشود، حتماً و قطعاً
می‌باید یا يك اتفاق مورد
ایتقان باشد، یا بالعکس اگر
نیست، جویانی که به آن استناد
می‌کند، خود اطلاعات دستاوی
نسبت به آن در صفحه ۱۰

جنگ انقلابی در کردستان

اعترافات زبونا نه سردمداران رژیم

چندی بر تسلط بر سران
کردستان که بارها و بارها از
پشت بلندگوهای تبلیغاتی خود،
با آب و تاب تمام اعلام کرده‌اند،
و اداز به سخن نموده‌اند، نحوه
درختان اینگونه اعترافات را
می‌توان در سخنان رفینجانی
جلاد خطاب به پاسداران اعزامی
به کردستان در اوایل اردیبهشت
ماه گذشته یافت. رفینجانی
ضمن صحبت‌های خود گفت:

• ما می‌دانیم که یکی از
کارهای مشکل، جنگ پیر
کردستان است، به دلیل آن
که در آنجا به طور وضوح
شما با دشمن خارجی ضابط
روبرو هستید، در صفحه ۱۷

گسترش روز افزون و تعمیق
درونی جنگ انقلابی در کردستان
و در اشکال مختلف آن علیه
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی،
عملاً رژیم را در برانگیزی جنگی
فرو برده است که حتی برای
خود دست‌اندرکاران جنایتکار
رژیم نیز پیروزی در چنین
جنگ گسترده و عظیمی که از
پشتوانه شگرفی همچون اراده
خلق ناپذیر توده‌های میلیونی
خلق کرد، برخوردار است،
در آن مستحضر نباشد.
واقعیتی که امروز سردمداران
رژیم با تمامی تلاش‌های مذبوحانه
شان برای سرکوب جنبش
انقلابی خلق کرد و با تمامی
رجزخوانیها و دروغ‌پردازیهایشان

صدای فدائی

صوت کوتاه‌مدتهای

۶۵ و ۷۵ متر
ساعات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵

دوامند